

زندگی زنان پس از طلاق با رویکردی کیفی (مطالعه موردی: شهرستان شاهین‌دژ)

محمدعلی آرمند^۱، آرام اژدری^۲

چکیده

طلاق، فرآیند قانونی جدایی یک زوج است که در طی زمان و در قالب مراحل مختلفی اتفاق می‌افتد. چنین مسائلی برای کنشگران پیامدهایی به همراه دارد، که می‌تواند بر اساس جنس متفاوت باشد. با قرار گرفتن در موقعیت طلاق نیز زنان و مردان مطلقه با مشکلاتی مواجه می‌گردند، در این مطالعه تمرکز روی مسائل زنان است. هدف از این پژوهش مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای طلاق از دیدگاه زنان مطلقه شهرستان شاهین‌دژ است. تحقیق کیفی است و از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شده است. برای این منظور ۲۰ زن مطلقه ساکن شهرستان شاهین‌دژ که حداقل یکبار تجربه طلاق داشته‌اند به عنوان مشارکت‌کنندگان این تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که با وقوع طلاق تغییرات متعددی در ابعاد گوناگون زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. زنان پس از طلاق احساس تنهایی کرده و با مشکلات مالی فراوانی همراه بودند. برخی از زنان مطلقه دارای فرزند تمایل به ازدواج مجدد داشتند اما نگران آینده فرزندان خود بودند. مهمترین مسأله این زنان مشکلات مالی و عدم حمایت مالی و اجتماعی از سوی دولت و نهادهای دولتی بود. بنابراین، لازم است دولت و سازمانهای تابعه متولی امور زنان و خانواده این نیاز به حمایت‌های همه‌جانبه آنان را مد نظر قرار داده و تدابیر لازم برای پاسخگویی به آنها را بیندیشند.

واژگان کلیدی: طلاق، احساس تنهایی، مسائل مالی و اقتصادی

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۲/۲۹

۱. فارغ التحصیل کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران .

armand.ma2012@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد بوکان، بوکان، آذربایجان غربی، ایران

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گسترده‌گی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد (غیاثی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۴؛ رفاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۹) که از بدو پیدایش بشر وجود داشته است و بدون آن، هسته مرکزی هیچ اجتماعی به وجود نمی‌آید (خدایاری‌فرد و شهابی، ۱۳۸۶: ۲؛ دشت بزرگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹؛ کمپل^۱، ۲۰۱۳: ۳). در دو دهه اخیر با گسترش زندگی شهرنشینی، افزایش ظواهر مدرنیته و تغییر شیوه زندگی مردم از سنتی با ورود و توسعه گسترش وسایل ارتباطی نوین، نظام خانواده در ایران دستخوش تغییراتی شده است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی، طلاق است. طلاق، فرآیند عاطفی و فیزیکی جدایی یک زوج است که در طی زمان و در قالب مراحل مختلفی اتفاق می‌افتد (امین‌الرعایا و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۲). طلاق، جزء مسائلی است که به استناد شواهد و آمار روندی رو به رشد داشته است. هیچ ازدواجی به قصد طلاق و جدایی صورت نمی‌گیرد. همه زوجین به رابطه‌ای پایدار و منجر به خوشبختی می‌اندیشند (قدسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴). طلاق هر چند که به عنوان واقعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که در نگاه اول بین یک زوج روی می‌دهد اما پدیده‌ای است اجتماعی که ریشه در بستر جامعه دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴). جامعه و ساختارهای آن همراه با فرآیندهایی که در آن جریان هستند، این پدیده اجتماعی را شکل می‌دهند. به‌رغم تمام تلاش‌هایی که در اعصار گوناگون، اجتماع و دولت برای حمایت از ازدواج و پیشگیری از طلاق انجام داده‌اند، همچنان این مسئله برای بسیاری از خانواده‌ها یک واقعیت احتمالی اجتناب‌ناپذیر است. این پدیده دلایل گوناگونی دارد که متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است. مسلماً هر شرایطی برای کنشگران پیامدهایی به همراه دارد و از آنجا که زنان به تبع جامعه‌پذیری، وابسته‌تر از مردان بار می‌آیند و به همین علت نیز نسبت به مردان متعهدتر به خانواده بار می‌آیند، پس با قرار گرفتن در موقعیت مطلقگی با مشکلاتی مواجه می‌گردند که پیامدهای عرضی پدیده طلاق است. با توجه به پیامدهای ناگواری که فروپاشی ازدواج برای افراد مطلقه و فرزندان آن‌ها در پی دارد (آماتو^۲، ۲۰۰۳: ۲۰۱۰). در چند دهه اخیر، پژوهش‌های فراوانی در پی پاسخ به این سؤال بوده که چرا بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. یک روش برای یافتن پاسخ این سؤال بررسی دلایل فروپاشی ازدواج از دیدگاه

1. Campell
2. Amato

افراد مطلقه یا متقاضی طلاق بوده است. طلاق یا اتمام وضعیت تأهل به عوامل متعددی بستگی دارد که به دلیل پیچیدگی و تفاوت‌های فرهنگی علل و پیامد خاصی را نمی‌توان به پدیده طلاق نسبت داد چرا که میزان و ابعاد طلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است (جانماردی^۱، ۲۰۱۱: ۴). لذا هدف از این پژوهش مطالعه کیفی طلاق از دیدگاه زنان مطلقه شهرستان شاهین‌دژ است. شاهین‌دژ یکی از شهرستان‌های جنوب استان آذربایجان غربی است که از بافت فرهنگی و اجتماعی متنوعی برخوردار است. در این شهرستان علاوه بر اقوام کرد زبان و ترک زبان اقوام و تیره‌های مختلف محلی زندگی می‌کنند که هر یک علاوه بر تکلم به زبان ترکی و کردی به لهجه‌ها و گویش‌های محلی خود صحبت می‌کنند، تشکیل شده است. از جمله این موارد می‌توان به چهاردولی، زعفران لویی، موصلانی، شریبانی، آجرلویی و هشترودی اشاره کرد. وجود پدیده چند فرهنگی (قومیت ترک زبان شیعه، قومیت کرد زبان (چاردولی) شیعه و قومیت کرد زبان (سورانی) سنی مذهب) در این شهرستان زمینه ازدواج بین افراد با فرهنگ‌های مختلف را فراهم آورده که در مواردی این چند فرهنگی اگر با شناخت جامعی از فرهنگ، اعتقادات، آداب و رسوم مردم و احترام به عقاید هم همراه نباشد می‌تواند زمینه طلاق و جدایی را هنگامی که ازدواج بین اقوام مختلف این شهرستان باهم صورت می‌پذیرد را فراهم یا افزایش دهد.

نیکبخت نصرآبادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد تجربه طلاق در زنان به معنای قرارگیری در چتری از آسیب‌پذیری‌های فردی، اجتماعی و بروز پیامدهای مختلفی است که آنان را به بهره‌گیری از مکانیسم‌های حفاظتی همانند مذهب، پنهان‌کاری و تلاش برای سازگاری با شرایط جدید و کاهش آسیب‌های روانی، اجتماعی و جنسی سوق می‌دهد. لذا این مسئله، نیاز به درک حمایت‌های همه جانبه آنان را نشان می‌دهد. این یافته‌ها، دید جدیدی به گروه بهداشتی و جامعه برای درک واقعی مشکلات زنان مطلقه در دنیای امروزی می‌دهد. زارعی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی طلاق را از دید زن مطلقه مورد بررسی قرار دادند. پس از تجزیه و تحلیل نتایج، پدیده طلاق در این مطالعه در دو طبقه مفهوم و فرایند معناپردازی شد. هر یک از طبقات به زیر طبقاتی تقسیم‌بندی شد. درک مفهوم طلاق برگرفته از باورهای جامعه است. طلاق نه تنها یک مقوله اجتماعی- فرهنگی است،

بلکه یک تعیین‌کننده اجتماعی موثر بر سلامت نیز می‌باشد. بنابراین هر گونه برنامه‌ریزی برای ارتقای سلامت زنان مطلقه نیازمند کشف و تفسیر دیدگاه‌های تجربه‌کنندگان این پدیده است. در نهایت مؤلفه‌های متعددی در معناسازی طلاق نقش دارند که این مؤلفه‌ها مشمول پیامد و تجارب درک شده، ادراک، باورهای جمعی، نمادسازی و جنسیت است. شیخی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن سه دسته از عوامل را به‌عنوان مقولات اصلی و در عین حال مرتبط با هم برای به وجود آمدن پدیده طلاق شناسایی کرده‌اند که عبارت‌اند از: ناهمخوانی تبیینی، ناهمخوانی معنایی و ناهمخوانی به‌روز شدن. صادقی فسایی و ایتاری (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی تحت عنوان تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی، به بررسی درک کنشگران از ابعاد گوناگون زندگی پس از طلاق به تفکیک جنسیت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طلاق برای زنان پیامدهای متعددی در حیطه‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی، ارتباطی و فرزندان به همراه دارد، که این پیامدها برای زنان و مردان متفاوت است. غیائی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی عامل‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانوار شیراز را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که متغیرهای اختلاف تحصیلی، اختلاف سن، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امور زندگی با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار دارند. باستانی و گلزاری (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان طلاق عاطفی؛ علل و شرایط میانجی با استفاده از مصاحبه عمیق با بیست نفر از زنان مراجعه‌کننده به یکی از مراکز مشاوره شهر تهران بر پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان اذعان کرده‌اند و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی با هم در تعامل هستند را تأیید نموده‌اند. از عوامل علی‌مواردی چون انتخاب نادرست همسر، نارضایتی جنسی و از شرایط میانجی به مواردی مثل دخالت خانواده‌ها، اعتیاد مرد و وضعیت اشتغال مرد اشاره داشته‌اند. حفاریان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی و مقایسه کیفیت زندگی زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز پرداختند. نتایج حاصله نشان داد که میانگین نمرات کلیه ابعاد کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان‌شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی) زنان مطلقه به‌طور معناداری کمتر از زنان غیرمطلقه است. همچنین بین

متغیرهای جمعیت شناختی، متغیر سن و تحصیلات رابطه معناداری با ابعاد کیفیت زندگی زنان مطلقه داشت، اما رابطه بین سایر متغیرهای جمعیت شناختی و کیفیت زندگی معنادار نبود. سیف (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی-عاطفی طلاق در سه مرحله (قبل، حین و بعد از طلاق) بین سه گروه از زنان و مردان مطلقه ایرانی مقیم ایران، ایرانی مقیم آمریکا و آمریکایی مقیم آمریکا به روش پیمایش پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گروه اول بیش از گروه دوم و به همین ترتیب گروه دوم بیش از گروه سوم متحمل پیامدهای طلاق شده‌اند. همچنین زنان مطلقه ایرانی در مقایسه با مردان مطلقه ایرانی در تمامی سه مرحله قبل، هنگام و پس از طلاق، پیامدهای بیش‌تری را متحمل می‌شوند. قطبی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای که بر روی مردان و زنان مطلقه منطقه دولت آباد انجام دادند، دریافتند که از میان مشکلات پس از طلاق، مشکلات تربیت فرزندان و احساس تنهایی در گروه‌های سنی بالاتر شایع‌تر بوده است. همچنین عدم امنیت اجتماعی در زنان بارزتر و احساس افسردگی در مردان شایع‌تر است. کاواس (۲۰۱۰) در رساله دکتری خود با عنوان تجربه بعد از طلاق برای زنان دارای تحصیلات بالا و متخصص به بررسی تجربیات ۳۱ زن مطلقه در ترکیه با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه‌بنایی پرداخته است. بر اساس یافته‌های ایشان، هر چند طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما از طرفی زندگی را بهبود می‌بخشد. متخصصین دانشگاه یو آی ای^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی بر روی ۱۳۳۵ زوج اماراتی به این نتیجه رسیده که مهارت‌های ارتباطی ضعیف بین زوجین منجر به ایجاد سوء تفاهم در بین آن‌ها و در نتیجه اصلی‌ترین علت طلاق بیان شده است. عوامل دیگری همچون توقعات زیاد و عدم آگاهی زوجین در مورد نقش خود در زندگی نیز به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بیان شده است. گایر^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی بر روی ۲۰۲ مسلمان مطلقه در آمریکای شمالی به این نتیجه رسیده است که در اکثریت موقعیت‌ها زنان متقاضی طلاق بوده و دلایل آن را به ترتیب خشونت عاطفی، کلامی، فیزیکی و خشونت جنسی بیان داشته و اکثریت طلاق‌ها نیز در ۵ سال اول زندگی اتفاق افتاده است. شالک ویک (۲۰۰۵) در تحقیقی به بررسی تجربه پس از طلاق: بازسازی مفهوم خود از سوی زنان، به بازسازی تجربه اجتماعی زنان از طلاق پرداخته است. او با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی و تکنیک مصاحبه با ۴ زن که مطلقه شده‌اند، به این نتایج رسیده است که زنان پس از جدایی به

1. UAE

2. Ghyyur

آرامش دوباره رسیده و راه منحصر به فردی برای بازسازی مفهوم خود در پیش گرفته‌اند. زنان مطلقه، اغلب با دامنه‌ای از گفت‌وگوهای روبرو می‌شوند که باعث تجربه تضادها و از دست دادن موقعیت اجتماعی خود است. مولینا (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان تجربه طلاق زنان اروپایی-آمریکایی به بررسی تأثیر پدیده طلاق بر زنان مطلقه پرداخته است. او نتیجه می‌گیرد زنان مطلقه در معرض مشکلات مالی و احساسی‌اند؛ چراکه از حقوق کم و عدم حمایت فرزندان و کمبود خرجی در رنج هستند. عوامل فرهنگی از قبیل اعتقاد به خدا، اخلاق کاری و روابط خانوادگی بسته و تلاش برای رسیدن به موفقیت، از عوامل تغییر در نگرش به طلاق است.

وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضا خانواده و انحلال و فروپاشی آن از یک سو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و خانواده به‌عنوان یکی از اجزای نظام اجتماعی و دارا بودن ویژگی‌های یک نهاد اجتماعی، از تأثیرپذیری متقابل برخوردار است. کارکردگرایان مدعی‌اند که طلاق واکنشی است به تضعیف هنجارهای اجتماعی. هر چه جامعه پیچیده‌تر شود و تحولات اجتماعی با سرعت بیشتری روی دهند، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مبهم‌تر شده، به وضعیت آنومیک (بی‌هنجاری) خواهند انجامید. آنتی در مقیاس جامعه می‌تواند به فشارهای اجتماعی و ناهنجاری‌های هنجاری ختم شود و موجبات طلاق را فراهم کند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). به اعتقاد جامعه‌شناسان معتقد به رویکرد سیستمی ارضای نیاز عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند باعث بقا و استمرار خانواده سالم گردد. در این دیدگاه، درک و تحلیل خانواده، نیازمند شناخت مناسبات افراد در درون خانواده است. در این رویکرد، خانواده در درجه اول در ارتباط با جامعه و گروه‌های بزرگ اجتماعی و در یک شبکه روابط بزرگ اجتماعی مطالعه می‌شود و در درجه بعدی، مناسبات درونی افراد خانواده را نیز مهم تلقی می‌کند. مطابق با این نظریه، خانواده مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که با محیط رابطه برقرار می‌کند. خانواده نیز مانند سیستمی ارگانیکی است که در مقابل فشارهای خارجی مبادرت به حفظ تعادل می‌کند (زمانیان، ۱۳۸۷: ۲۵). ادگوک^۱ (۲۰۱۰) معتقد است که زمینه‌های قومی- فرهنگی زوجین در پیوند با سایر عوامل از دیگر عوامل مؤثر بر طلاق است و به‌شدت بر پایداری ازدواج تأثیر می‌گذارد. به‌طور مثال، در نواحی روستایی، درون‌همسری قومی اثر مثبتی بر پایداری ازدواج دارد. به همین دلیل ازدواج‌های درون-

1. Adegok.

همسری قومی به صورتی امن در شبکه روابط اجتماعی و تجویزهای هنجاری^۱ تنیده شده‌اند و از این جهت کمتر در معرض ازهم گسیختگی‌اند. به نظر کانگر^۲، دوران سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده‌ها دارد؛ از جمله آن‌ها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آن‌ها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نیست، زندگی زناشویی آن‌ها را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها، بیشتر تعامل منفی دارند (کانگر و ایلدر، ۱۹۰۰: ۶۴۶). کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش‌ها و ستیز در داخل خانواده شده است و علی‌رغم آنکه هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. طلاق، نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سویی، مانور تجمل در جامعه سر داده می‌شود و از سوی دیگر، برنامه تعدیل اقتصادی ارائه می‌شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است. به نظر می‌رسد برنامه تعدیل ساختاری از طریق تورم فزاینده و گسترش و تعمیق فقر، علاوه بر اینکه در کوتاه مدت، اثر ازهم گسیختگی و طلاق را بر جای می‌گذارد، در بلندمدت آثاری بر نهاد خانواده می‌گذارد که بسیار عمیق‌تر است و بیشتر مترتب بر فرزندان می‌باشد (بابایی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). بر اساس نظریه بحران ارزش‌ها، در جوامعی که در حال انتقال از وضع اقتصادی و اجتماعی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌ها است. به بیان دیگر به هنگام بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، مادی‌گرایی، و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می‌گیرند. در چنین شرایطی همه چیز در چارچوب امور مادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه می‌شود و ارتباطات انسان از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. روابط انسانی از بعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در التذاذ آنی صرف می‌شود. این نوع روابط بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به محض آنکه مصلحت دیگری روی کند و یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، روابط از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف بشکند، در این شرایط رابطه زوجیت از این قاعده مستثنا نبوده و آمار طلاق روز به روز

1. Normative prescriptions.

2. Conger

۱۴.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

افزایش خواهد یافت (مساواتی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). از دیدگاه جامعه‌شناسان معتقد به نظریه آنمی، آنمی به مفهوم فقدان اجتماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است این حالت موجب به محو و غیبت تدریجی ضابطه اخلاقی می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سردرگمی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های جامعه، برای آن‌ها بی‌اهمیت و کم‌ارزش می‌شود. از سوی دیگر ارزش‌های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است، در واقع جامعه دو ساخت دارد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸).

روش‌شناسی

پژوهش کیفی یک رویکرد سیستماتیک و ذهنی است که در توصیف تجربیات زندگی و معنا بخشیدن به آن بکار می‌رود. در پژوهش کیفی، پژوهشگر به جستجوی اطلاعات در مورد جنبه‌های کیفی (غیر عددی) پدیده تحت مطالعه به منظور درک معنای جامع‌نگر پدیده از دیدگاه شرکت-کنندگان می‌پردازد (هوشمند، ۱۳۸۱: ۸۵). در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده شده است. برای این منظور ۲۰ زن مطلقه ساکن در شهرستان شاهین‌دژ که حداقل یک‌بار تجربه طلاق را داشته‌اند و بیش از یک سال از زمان طلاق آن‌ها گذشته است، به‌عنوان مشارکت-کنندگان انتخاب شده‌اند، که پس از شناسایی و کسب رضایت از آنان، با آن‌ها به مصاحبه و گفتگو پرداختیم. داده‌ها از طریق مصاحبه فردی به صورت نیمه‌ساختمند طی شش هفته که هر مصاحبه بین ۴۵ الی ۶۰ دقیقه به طول انجامید، گردآوری شده و با استفاده از کدگذاری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناسی زنان پاسخ‌دهنده

ردیف	نام	سن	مدت طلاق	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان
۱	ندا	۱۷	۱/۳	اول دبیرستان	بیکار - خانه‌دار	۰
۲	هانیه	۲۱	۱	لیسانس	کارمند بیمه	۱
۳	ترکان	۲۹	۱/۸	فوق‌دیپلم	کارمند	۰
۴	سمیه	۳۶	۱/۵	لیسانس	آزاد	۳
۵	اختر	۴۴	۶	دیپلم	کارمند	۲
۶	ناهید	۳۷	۲	دیپلم	منشی	۳
۷	مریم	۳۵	۱	سیکل	خیاط	۲
۸	گلاو یز	۳۵	۳	ابتدایی	شغل خانگی	۲

۹	سارا	۳۳	۱	فوق لیسانس	دانشجو	۲
۱۰	اکرم	۲۹	۱	لیسانس	بازاریاب	۱
۱۱	الهام	۲۸	۲	دیپلم	آرایشگر	۱
۱۲	آذر	۲۳	۱	دیپلم	آرایشگر	۰
۱۳	فریبا	۴۷	۶	دیپلم	خیاط	۴
۱۴	شیرین	۳۹	۴	فوق لیسانس	کارمند	۲
۱۵	ریابه	۳۵	۲	سیکل	فروشنده پوشاک	۳
۱۶	سکینه	۳۴	۳	دیپلم	کارگر خدماتی	۲
۱۷	فاطمه	۳۵	۲	لیسانس	مدیر ابتدایی	۲
۱۸	ساناز	۲۶	۱	دانشجوی ارشد	دانشجو	۰
۱۹	پروانه	۴۳	۳	دیپلم	آزاد	۳
۲۰	فرزانه	۳۵	۵	لیسانس	متشی	۲

یافته‌ها

بر اساس نتایج مطالعه مقوله های استخراج شده از مصاحبه ها به شرح زیر مطرح شده اند:

الف - معیارهای نامناسب در ازدواج: یکی از دلایل طلاق در بین زنان مطلقه مورد مطالعه شکل گیری ازدواج آنان بر مبنای اهداف و انگیزه‌ها و معیارهای اشتباه در انتخاب همسر صورت گرفته بود. به طوری که برخی از زنان عنوان کرده‌اند که ازدواجشان به این دلیل با شکست مواجهه شد که از همان آغاز به دلیل عشق و علاقه و یا بر اساس ملاک‌های درستی ازدواج نکرده‌اند. مثلاً برخی به دلیل گریز از فشارهای اجتماعی مجرد ماندن و حرف و حدیث اطرافیان تن به ازدواج داده‌اند. بالا رفتن سن ازدواج و مجرد ماندن دختران خصوصاً در نواحی روستایی و عشایر شهرستان شاهین دژ یک وضعیت نامطلوب تلقی می‌شود و به این دلیل اکثر دختران و خانواده‌های آنان، ازدواجی اشتباه را به مجرد ماندن ترجیح می‌دهند.

سمیه ۳۶ ساله عنوان کرده: " از روزی که نامزد شدیم تازه فهمیدم که به درد هم نمی‌خوریم، تلاش کردم که یه جوری ازدواج رو به هم بزنم... اما شرایطی به وجود اومده بود و ناچار شدم واسه حرف مردم تن به ازدواج بدم. خونوادم به خاطر اینکه سنم بالا رفته بود نگران این بودن که دیگه واسم خواستگار نیاد و این آخرین خواستگارم باشه و تا آخر عمر مجرد بمونم. ناچار شدم که جواب مثبت بدم ولی حالا پشیمونم که چرا بیشتر فک نکردم".

ساناز ۲۶ ساله: " من بخاطر عشق و علاقه ازدواج نکردم، فقط می‌خواستم از خونوادم دور باشم... از دست رفتارهای بد خانواده خصوصاً داداشم خسته شده بودم. تو خونه ما همه با هم دشمنی داشتند،

پدرم با مادرم اختلاف داشتن سر ما خالی می‌کردن... مثل میدان جنگ بود، این قد فضای خونه بد بود که بیشتر وقت‌ها به فرار از خونه فک می‌کردم. وقتی که با شوهرم آشنا شدم فک کردم که بهترین فرصت واسه خلاص شدن از اون جهنم بود و..."

هائیه ۲۱ ساله: «دوستام دورم رو خالی کرده بودن و تحمل نحسی یک زن مطلقه رو نداشتند. همکارای مرد هم زیر چشمی و راندازم می‌کردند... من می‌تونستم از رفتارها و نگاه‌های موزیانه‌شان آنچه را در ذهن دارند بخوانم و این قضایا باعث شد تن به ازدواجی بدم که نمی‌خواستم در نهایت دوباره به طلاق انجامید».

ب- ازدواج از روی اجبار: برخی از ازدواج‌ها نه بر اساس انتخاب و علاقه خود فرد بلکه بیشتر به خاطر اجبار از سوی خانواده‌ها انجام می‌گرفت. در بین مصاحبه‌شوندگان کسانی هستند که علی-رغم میل خودشان و تنها با اصرار و اجبار والدین و اطرافیان تن به ازدواج داده بودند.

برای مثال الهام ۲۸ ساله شغل آرایشگر: "ازدواج من انتخاب خودم نبود، پدر و مادرم اجازه ندادند خودم تصمیم بگیرم و از روی اجبار باهاش ازدواج کردم، اونا تشخیص دادند که مناسبه من مخالف بودم اما... نمی‌تونستم چیزی بگم می‌دونستم آگه رو حرفشون حرف می‌زدم از ارث محروم می‌کردن... داداشم که علی‌رغم میل خانواده ازدواج کرده بود چند ساله که از خانواده طرد شده و از ارث محروم شدن... از هر نظری با شوهرم اختلاف داشتیم حالا من موندم و یه بچه نمی‌تونم خونوام رو ببخشم حالا پیشمونن که چرا... ولی دیگه زندگی و آینده من خراب شد نمی‌دونم قراره آینده بچم چی بشه و..."

جدول (۲) طبقات و زیر طبقات مقوله زندگی زنان بعد از طلاق

مقوله اصلی	طبقه اصلی	زیر طبقات	
زنان مطلقه (زندگی پس از طلاق)	ازدواج نامناسب	معیارهای نامناسب در ازدواج	
		ازدواج از روی اجبار	
	احساس تنهایی و طرد اجتماعی	تعارض با خانواده	احساس تنهایی و از دست دادن عمر
			دوری‌گرینی از جمع و تنهایی (طرد خانوادگی - اجتماعی)
		نگرانی از آینده خود و فرزندان	برچسب خوردن از جامعه
			احساس منفی از مطلقه بودن
		نگرانی از آینده خود و فرزندان	دادن معنای مثبت به طلاق
			مشکلات مالی و اقتصادی
			تمایل به ازدواج مجدد
			نگرانی از آینده فرزندان
		مساله فرزندان	

پ- تعارض با خانواده: این مسأله به دو شکل برای زنان مطلق خود را نشان می‌دهد؛ یا در جهت اعمال کنترلی است که خانواده پس از جدایی برای زن در نظر می‌گیرد و یا تنشی است که فرزندان با خانواده خاستگاه مادرشان دارند و به تبع آن اعضای خانواده هم با زن مطلقه دچار برخی تعارضات می‌گردند.

فاطمه ۳۵ ساله: «داداشم میاد بچه رو می‌زنه، می‌گه تو بلد نیستی بچه تربیت کنی. به دخترم می‌گه اگه تو بابا بالای سرت بود این جور نبودی».

فرزانه ۳۵ ساله: «بعضی وقتا فکر می‌کنم مامان، بابام حوصله‌شون سر رفته از دست بچم».

ندا ۲۹ ساله: «خونه بابام زندگی می‌کنم، بچه‌ها همه شرن، بابام مریضه، من احساس می‌کنم دارن اذیت می‌شن».

سکینه ۳۴ ساله «یه بار که پدر و مادر ایشون از شهرستان اومده بودن خونمون و چند روزی خونه ما بودند، علیرغم اینکه شاغل بودم باید سر کار می‌رفتم چیزی واسشون کم نداشته بودم... ولی وقته که بر می‌گشتن خونه با شوهرم تماس می‌گرفتن و اونو علیه من تحریک می‌کردن، بخاطر همین تماس‌ها هر بار که می‌ومدن و میرفتن بعدش من کتک مفصلی می‌خوردم، حتی مجبور شدم واسه خلاص شدن از این زندگی نکبت مهریه‌م رو هم بیخشم فقط جدا شم...».

ت- احساس تنهایی و از دست دادن عمر: زنان پس از جدایی به این می‌اندیشند که، زندگی با همسر سابق نه تنها برایشان دستاوردی نداشته بلکه باعث هدر رفتن عمرشان نیز شده است. و فرصت‌های زیادی رو از دست دادن برای نمونه رخشنده ۳۶ ساله: «احساس می‌کنم ۷ سال از عمرم رو الکی هدر دادم. خیلی افسوس می‌خورم، شدید که چرا باهاش ازدواج کردم، یا اگه ازدواج کردم چرا بچه آوردم؟ بچه‌هام الآن چی میشه؟».

الهام: «کاش زودتر جدا می‌شدم چون واقعاً مریض بود و دست خودشم نبود؛ اعتیاد داشت وقتی بهش جنس نمی‌رسید هیچی حالیش نمی‌شد... خیلی سعی کردم ترک کنه ولی نشد».

آذر: «فقط چند سال خوب عمرم سوخت».

بسیاری از مشارکت‌کنندگان دوری‌گزینی از جمع و تنهایی را واکنشی به طرد خانوادگی و اجتماعی می‌دانستند. آنان اتخاذ این رویکرد را نوعی فرار از نگاه جامعه و قضاوت شدن می‌دانستند.

ترکان ۲۹ ساله: «تا در خونه مامانم رو میزدن زود می‌رفتم خودمو توافاق می‌کردم... تو سر کار انگشتر می‌انداختم تا نفهمن مطلقم... یکسال تموم با همه قطع رابطه کردم درو به روی همه بستم، تو

مهمونی‌هام شرکت نمی‌کردم... با همه دوستانم قطع رابطه کردم تلفن هیچ کدومشون رو جواب نمی‌دم».

فاطمه ۳۵ ساله: «۳، ۴ ماهی یکبار آنقدر احساس نیاز می‌کنم که ای کاش شوهرم کنارم بود. وقتی فکر می‌کنم برم با یکی بریزم روهم، باز می‌گم برای این چیزا بری؟».

فرشته ۳۴ ساله: «هیچ کسو تو دنیا ندارم، هیچ کس نمی‌فهمه به زن تو موقعیت من چی می‌کشه؟». هانیه: «اولین احساسی که بعد طلاق داشتم اینه که فک می‌کردم در جامعه رها شدم و اعتماد به نفسم رو از دست دادم هیچ انگیزه‌ای واسه زندگی ندارم».

اختر ۴۴ ساله: «چکار می‌تونی بکنی؟ بعضی وقتا احساس خلأ بیش از حد می‌کنم یکی باشه باهاش صحبت کنی، احساس می‌کنی یکی باشه همزبون باشی، هم صحبت باشی، خوب خیلی فرق می‌کنه همش بخوای با هم جنس خودت صحبت کنی این خلأ رو شاید نتونی پر کنی. با غیر همجنس خودتم نمی‌شه همیشه. همیشه خدا رو شکر می‌کنم از دست اون راحت شدم از اون زندگی».

گلاویژ ۳۵ ساله: «اگه تو اهل زندگی بودی به روزی نمی‌افتادی که زندگی خراب بشه و تنها بمونی... وقتی خونوادم اینارو به من میگن و میدونن که من چه سختیا و زجرهایی کشیدم، از دیگران چه انتظاری می‌تونم داشته باشم؟...».

سمیه ۳۶ ساله: «بیشترین چیزی که پس از جدایی مرا آزار می‌داد، حس ترحم افراد آشنا و فامیل بود. نگاه‌هاشان در مهمانی‌ها و مجالس و... حرف‌هایی که می‌شنیدم مرا آزار می‌داد. تحلیل‌های دیگران خسته‌ام می‌کرد در حالی که بیشتر راه‌هایی رو که میشد باهاش زندگی رو حفظ کنم رفتم اما نشد و...».

ث - دادن معنا مثبت به طلاق: زنان به طلاق با دید مثبت می‌نگرند و حتی در برخی موارد از طلاق به عنوان رهایی یاد می‌کنند. مثلاً اکرم ۲۹ ساله: «در حال حاضر بهترین کاری که می‌تونستم که باید انجام بدم همینه... مسلماً بهتر خواهد شد زندگی من بخاطر اینکه از اون شرایط در اومده. حداقل من به استقلال فکری رسیدم... برای من آزادی از زندونه... دیگه نیازی ندارم به یه آقای همش توجه داشته باشم همش نگاه کنم همه زندگیمو با اون تنظیم کنم...».

فریبا ۴۷ ساله: «چون پسرم الان بزرگ شده، به مرد شده با هم راه میریم من راحتتم، در کنار پسرم خیلی راحتتم».

شیرین ۳۹ ساله: «دیگه زندگی در گذره. دوروبریام برای هیچ و پوچ زندگی شونو خراب می کنن. بهونه است. آدم باید برای زندگیش تلاش کنه. زندگی ای هم که بیش از حد برایش تلاش کنی فایده نداره، خوب اون آدم زندگی نبود هنوزم با کسیه، موادم مصرف میکنه».

ج- تمایل به ازدواج مجدد و مسأله فرزندان: زنان می دانند که به دلیل وجود فرزندانشان شانس ازدواج برایشان خیلی کم می شود؛ اما آنها حاضر نیستند تنها خود را از زندگی قبلی نجات دهند و فرزندان را به پدر یا خانواده پدری بسپارند. اما در بین مشارکت کنندگان یک نفر به توصیه والدینش فرزند را به پدر سپرده تا این شانس را از خود نگیرد و یک نفر هم موفق نشده حضانت فرزندش را بگیرد و از این بابت خیلی غمگین است.

الهام ۲۸ ساله: «خواستگار زیاد دارم ولی میگن بدون بچه هات».

اکرم ۲۹ ساله: «خواستگارهای زیادی داشتم اما مسئولیت بچه رو قبول نمی کردن، از طرفی کسای هم که مسئولیت بچه رو قبول می کردن من بخاطر اینکه حضانت بچه رو ازم نگیرن مجبور بودم جواب رد بدم».

مریم ۳۵ ساله: «اومده خواستگاری میگه بچه هاتو بده به مادرت تا من راحت باشم».

سارا ۳۳ ساله: «من چون بچه دارم، کسی هم میاد خواستگاری به خاطر بچه ها پشیمون میشه».

فرزانه ۳۵ ساله: «خواستگار زیاد هست ولی اونا می خوان بچه خودشونو بیارن ولی بچه منو نمی - خوان».

آذر ۲۳ ساله «از سن پایین ازدواجش و عدم شناخت صحیح از همسرش میگه که بعد از ۲ سال بدون فرزند جدا شدن».

ناهید ۳۷ ساله: «۱۷ سالم بود که دوست داداشم اومد خواستگاریم و خانواده پذیرفتن و ازدواج کردیم دوست نداشت که من درس بخونم برا همین دیپلم که گرفتم دیگه ادامه تحصیل ندادم. با خانوادش زندگی می کردیم بخاطر اعتیادش و دخالت های مادرش خیلی اذیت می شدم؛ دست بزن داشت و بدون اطلاع خانوادم همه چی رو بخشیدم و جدا شدم. الان با خانواده خودم زندگی می کنم ارتباط صمیمانه ای باهم نداریم احساس می کنم پدرم از من خوشش نمیاد و منو زیر نظر دارن هر چند خودم به عنوان منشی تلفنی آژانس خرج خودمو در میارم ولی برا فرار از نگاه ها و زیر نظر گرفتن های خانوادم دوس دارم با یه آدم خوب که معتاد نباشه ازدواج کنم».

چ- نگرانی از آینده فرزندان: یکی از افکار آزاردهنده که پس از جدایی به سراغ زنان می‌آید نگرانی از آینده فرزندان است. آن‌ها که حضانت فرزند را ندارند نگران رابطه او با نامادری‌اند و آن‌ها که حضانت فرزندان را به عهده دارند، از مشکلات اقتصادی برای فرزندان و چگونگی بزرگ کردن فرزند بدون پدر و نداشتن پاسخ‌هایی قانع‌کننده برای سؤالات فرزندان نگران‌اند.

پروانه ۴۳ ساله: «می‌گم آینده ما که خراب شد مال بچه‌ها خراب نشه. کسی می‌ره خواستگاری می‌کن ماما نش طلاق گرفته، دخترش چی بشه؟».

الهام ۳۸ ساله که از فرزندش جداست می‌گوید: «دل‌م برای دخترم پر می‌زنه. فقط تنها غصه‌ام دخترمه. دخترمو بده به خودم، خودم بزرگش کنم، دو سال دیگه به بلوغ می‌رسه، کی می‌خواد راهنماییش کنه؟».

هانیه ۳۳ ساله نگرانی‌اش را به گونه دیگری ابراز می‌کند: «ممکنه بعدا که بچه من بزرگتر شه بگه تو چرا این تصمیمو گرفتی؟ خصوصاً اینکه پدرش نمی‌خواست که این اتفاق بیافته ممکنه بعداً که من نمی‌تونم جلوی بچمو بگیرم با پدرش اصلاً تماس نداشته باشه...».

ح- احساس منفی از مطلقه بودن: برخی زنان به علت دریافت فشارهای اجتماعی و سوء رفتارهایی که با آن‌ها به عنوان یک مطلقه شده، احساس ناخوشایندی از جدایی دارند و آرزو می‌کنند که ای کاش در موقعیت مطلقگی قرار نمی‌گرفتند.

ربابه ۳۵ ساله: «اصلاً دوست نداشتم یک زن مطلقه بشم. دوست داشتم زندگی کنم. دوست نداشتم تو جامعه این طوری تنها باشم. خیلی احساس بدی دارم، جامعه خیلی برخورد بدی می‌کنه».

ندا ۱۷ ساله: «بعد از جدایی یه مدت دچار افسردگی شدم، فکر می‌کردم دنیا تو سرم خراب شده».

شیرین ۳۹ ساله: «از جداییم ناراحتم، برای بعضی مشکلات ارزش داره مرد داشته باشی، مثلاً نگاه مردم».

الهام ۲۸ ساله: «به همه نگفتم ولی دوستانم می‌دونن. فامیلام تازه فهمیدن. خیلی خانواده توداری هستیم. دوست نداریم انگشت نمای کسی باشیم. بابام خوشش نیامد، دلیلی نمی‌دونه. من شخصاً دوست ندارم کسی بدونه به خاطر اینکه حرف‌وحديثی پیش نیاد. یک درصدم که بخوان پرسن من حوصله جواب دادن ندارم». از طلاقم متنفرم. دوست نداشتم پیش بیاد. به خانوادم می‌گم شما مقصرین. روزی که من گفتم نه شما اصرار کردین.

خ- مشکلات مالی و اقتصادی: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زنان مطلقه، مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی است چراکه تعداد زیادی از آن‌ها با گذشتن از حقوق مادی خود مطلقه شده‌اند و معمولاً خانواده خاستگاهشان نیز قادر به تأمین زندگی آنها نیستند. خود این زنان هم با وجود تلاش برای زندگی نمی‌توانند به‌طور کامل از پس مشکلات زندگی برآیند.

اکرم ۲۹ ساله: «پسر من آسم داره، دارو و اسپری مصرف می‌کنه، من بیمه نیستم. بعضی وقتا حالش بهم می‌خوره یه پسر ۵ ساله خیلی سخته بغلش کنم بیرمش دکتر، بهم میگن نکن، ولی نمی‌تونم». سکینه ۳۴ ساله: «در حال حاضر مشکلات اقتصادی دارم، پول باشه همه مشکلات حل میشه. هیچ‌کس نمی‌دونه درد یه مادر با دو تا بچه گرسنه چیه؟».

سمیه ۳۶ ساله: «بزرگ‌ترین مشکلم بعد طلاق مشکل اقتصادی بود، واسه همین مجبور بودم برم سر کار. از طرفی کارم تمام وقت بود و مزدشم کم بود و نمی‌تونستم به بچه‌هام برسم و خوب تأمینش کنم... راستش خیلی فکر داشتم واسه بچه‌هام... ولی حقوقم کفاف نمیده». آذر ۲۳ ساله: «بعد طلاق چند ماهی رفتم شهرستان پیش خانواده‌ام، آخه نمی‌تونستم تنهایی کار کنم و اجاره خونه رو بدم».

مریم ۳۵ ساله: «بابام می‌گفت تا وقتی می‌تونی خونه ما زندگی کنی که خرج خودتو بدی».

د- برچسب خوردن از سوی جامعه: یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی که زنان مطلقه در تعاملات اجتماعی با آن روبرو هستند، برچسب خوردن از سوی جامعه است. شیرین ۳۹ ساله: در این باره به نقش رسانه‌ها در تقویت کلیشه زن مطلقه اشاره می‌کند: «تو سریالا همیشه زن مطلقه یا حسوده یا تو فکر آویزون کردن خودش به مرداست».

آذر ۲۳ ساله: «همه به یه چشم دیگه با بهت نگاه می‌کنن. من به همین خاطر با خونوامم زندگی می‌کنم». و این حرفی است که همه زنان بلااستثنا آن را بیان می‌کنند. ساناز ۲۶ ساله: «خیلیا فکر می‌کنن چون جدا شدم می‌خوام رو سر شوهراشون خراب شم... از برخوردارشون این رو حس می‌کنم».

پروانه ۴۳ ساله: «نگاه جامعه خیلی بده... همه فک می‌کنن یه زن وقتی مطلقه باشه، میشه هر چیزی رو ازش خواست... ما رو با فاحشه‌ها اشتباه می‌گیرن... خوب قرار نیست هر کی جدا بشه قرار نیست که دیگه فحشا بشه و...».

۲۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

ترکان ۲۹ ساله: «همه تا میفهمن طلاق گرفتی، سریع می‌خوان برات شوهر پیدا کنن، میرن مهمونی سریع میگن بیا صیغه فلانی بشو».

فاطمه ۳۵ ساله: «مردا تا بفهمن شوهر نداری می‌خوان سریع ازت سوءاستفاده کنن، مخصوصاً آگه چند سال باشه شوهر نداشته باشی».

آذر ۲۳ ساله: «تو ازدواج خیلی مشکلات پیش میاد تا کسی میفهمه که جدا شدی میگن بین چه مشکلی داشته‌ای؟... واقعاً زیر سؤال میری حتی آگه مقصر نباشی. تو ایران به پسرای مجرد اجازه نمیدن با یه زن مطلقه ازدواج کنه ولی میشه یه دختر مجرد با مردای مطلقه ازدواج کنه هیچ ایرادی نداره».

ساناز ۲۶ ساله: «هنوزم پیش میاد که بعضیا بهم پیشنهاد میدن، حتی پول خوییم میدن».

سارا ۳۳ ساله: «آگه بفهمن که شوهر نداری از پسر ۱۵ ساله تا پیرمرد می‌خوان ازت سوءاستفاده کنن».

فریبا ۴۷ ساله: «کسی نیست که بچه‌های منو بخواد قبول کنه. چون پیش اومده صحبت کردیم، خواستگار زیاد دارم. میگن دو تا دختر بچه. میدونم که نمی‌خواد یا میگه صیغه شو من همچین آدمی نیستم، آبروم که از سر راه نیومده نمی‌خوام با کسی باشم».

اختر ۴۴ ساله: «نهایتش یه آدمی میاد یه پیشنهاد بی‌شرمانه می‌ده و وقتی برخورد قاطع منو می‌بینه میره دنبال زندگیش دیگه. این اتفاق برای همه آدما ممکنه بیافته و من می‌تونم به لحاظ زن بودنم که به لحاظ انسان بودنم تو این جامعه زندگي کنم».

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق گسستن، فروپاشیدن و نابودی کانون گرم و آرام‌بخش زندگی است که اثرات جبران‌ناپذیری بر اعضای خانواده می‌گذارد. طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند. طلاق پدیده‌ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، یعنی واحد مشروع و اساسی تولیدمثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت نیز تأثیر می‌گذارد، زیرا موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی در احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. بنابراین آسیب اجتماعی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضا

خانواده، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده می‌باشد. طلاق موردپذیرش خانواده و جامعه نیست بنابراین زن مطلقه نیز موردپذیرش نخواهد بود. به عبارتی دیگر، انزوای طلبی، معنی تنهایی و در خلوت نشستن و از جمع کناره گرفتن رفتارهایی است که باعث می‌شود زن مطلقه از برقرار کردن ارتباط با افراد و محیط خارج دوری کند. زنان به دنبال طلاق در جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و یکی از چالش‌های مهم در زمینه پذیرش اجتماعی آن‌هاست.

داشتن اطلاعات و شناخت کافی زن و مرد به هنگام ازدواج از جمله عوامل مهم و قابل توجه در استحکام و دوام ازدواج است همان‌طور در بالا اشاره کردیم برخی از عوامل طلاق در این مطالعه مربوط به معیارها و الگوهای نامناسب در انتخاب همسر، ازدواج از روی اجبار والدین و... بود که منجر به طلاق و جدایی شده بود. طلاق موجب به وجود آمدن حس تنهایی در بین زنان مورد مطالعه شده بود. اکثریت زنان مورد مطالعه ما در زندگی بعد از طلاق دچار مشکلات متعددی خصوصاً در زمینه‌ی اقتصادی- مالی بوده‌اند و برخی از آن‌ها تمایل به ازدواج مجدد داشتند لیکن نگران آینده فرزندان خود و عدم پذیرش از طرف همسر و خانواده همسر آینده خود در صورت ازدواج مجدد بودند. می‌توان گفت که بیشتر زنان مطلقه گرایش و تمایل به ازدواج مجدد دارند و نهاد خانواده را کانون امنی برای خود و فرزندان خود می‌دانند لیکن نگران از آینده فرزندان و عدم پذیرش آن‌ها هستند، لذا لازم است که در جامعه شرایطی را فراهم آورد که زمینه‌های بازسازی ذهنی و عینی زندگی پس از طلاق افراد را فراهم نموده و بازگشت آنان را به چرخه طبیعی زندگی فردی و اجتماعی را تسهیل نمود، چراکه ازدواج مجدد آنان بسیاری از مشکلات و نیازهای زوجین خصوصاً عاطفی، جنسی، اقتصادی و... را کاهش داده و زمینه بازگشت به آغوش جامعه را برای آن‌ها فراهم می‌آورد. همچنین لازم است که در زمینه توانمندسازی این قشر تلاش مضاعفی صورت گیرد زیرا اکثر کسانی که جدا شده‌اند با توجه به بافت سنتی جامعه مورد مطالعه از طرف جامعه با نگاه‌های کلیشه‌ای مواجه شده‌اند، در مواردی از طرف خانواده و آشنایان طرد شده که اگر در زمینه‌ی توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی آنان اقدامات لازم صورت نگیرد می‌تواند زمینه افزایش مشکلات و انحرافات اجتماعی در جامعه گردد.

منابع

امین الرعایا، رضوان؛ کاظمیان، سمیه و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۵) پیش بینی تحمل پریشانی بر اساس مولفه‌های ارتباطی

۲۴..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

خانواده مبدأ در زنان مطلقه و غیر مطلقه، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۱-۱۰۵.

بابایی، فاطمه. (۱۳۸۰). *تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی*. تهران، انتشارت کویر.

باستانی، سوسن و گلزاری، محمود. (۱۳۸۹). *طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، بررسی مسائل ایران*، سال اول، ۳: ۱-۲۰.

حفاریان، ل.، آقایی، ا.، کجیاف، م.ب. و کامکار، م. (۱۳۸۸). *مقایسه کیفیت زندگی در زنان مطلقه و غیر مطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شیراز، مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان*، ۴۱: ۸۲-۶۱.

خدایاری‌فرد، محمد و شهابی، روح‌الله. (۱۳۸۶). *رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، خانواده پژوهی*، سال چهارم، ۱۰: ۶۲۰-۶۱۱.

دشت بزرگی، زهرا؛ عسگری، مه‌رانا و عسگری، پرویز (۱۳۹۶) *اثربخشی آموزش شفقت خود بر میل به طلاق و نگرش‌های صمیمانه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال هیجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶*، پیاپی ۶۷، صص ۳۸-۴۵.

رفاهی، ژاله؛ میرزایی جابری، بهنام و زارعی، رضا (۱۳۹۶) *اثربخشی تحلیل ارتباط متقابل (TA) بر تغییر قصه عشق و دلزدگی زناشویی زنان، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه، سال هشتم، شماره نخست، بهار ۱۳۹۶*، صص ۱۸۳-۱۶۷.

زارعی، فاطمه؛ صلحی، مهناز؛ تقدیسی، محمدحسین؛ کمالی، محمد؛ شجاعی‌زاده، داود؛ نجات، سحرناز؛ مرقاتی خوبی و غف‌السادات (۱۳۹۳) *درک تجارب پس از طلاق در زنان: یک پژوهش کیفی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، شماره ۱۲۴*، صص ۲۳-۳۶.

زارعی، فاطمه؛ مرقاتی خوبی، غف‌السادات؛ تقدیسی، محمدحسین؛ صلحی، مهناز؛ نجات، سحرناز؛ شجاعی‌زاده، داوود، رجعتی، فاطمه و رحمانی، اعظم (۱۳۹۲) *طلاق از دید زن مطلقه: پژوهش کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۴۷-۲۳۴*.

زمانیان، علی. (۱۳۸۷). *تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). *طلاق- پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

سیف، سوسن. (۱۳۸۳). *بررسی مقایسه‌ای میزان پیامدهای طلاق در زنان و مردان مطلقه ایرانی و آمریکایی، فصلنامه خانواده و پژوهش*، سال اول، ۱: ۸۱-۱۰۴.

شیخی، خالد و همکاران. (۱۳۹۱). *درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن (مطالعه‌ای کیفی)*، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ویژه نامه خانواده و طلاق، ۱.

صادقی فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم. (۱۳۹۱). *تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی، زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ۳.

- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران، انتشارات سمت.
- غیاثی، پ.، معین، ل. و روستا، ل. (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز، *فصلنامه جامعه و زنان*، سال اول، ۳: ۱۰۴-۷۷.
- غیاثی، پروین؛ روستا، لهراسب و براری، مرضیه (۱۳۹۰) بررسی عوامل اجتماعی درخواست طلاق در بین شهروندان زن شیرازی، *فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، سال دوم، شماره سوم صص ۱۸۸-۱۶۳.
- قدسی، ع.م.، بلالی، ا. و عیسی‌زاده، س. (۱۳۹۰). بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی- اجتماعی طلاق، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، ۵۳: ۸۵-۴۳.
- قطبی، م.، هلاکویی‌نایینی، ک.، جزایری، ا. و رحیمی، ع. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد، *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال سوم، ۱۲: ۲۸۸-۲۷۳.
- مساواتی، مجید. (۱۳۷۴). *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. جامعه‌شناسی انحرافات*، تبریز، انتشارات نوبل.
- نیکبخت نصرآبادی، علیرضا؛ پاشایی ثابت، فاطمه و بستامی، علیرضا (۱۳۹۵) تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی، *نشریه روان پرستاری*، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، دوره ۴، شماره ۳، صص ۷۴-۶۶.
- هوشمند، پوری. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر رویکرد پژوهش کیفی، *مجله علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد*، سال چهارم، شماره ۱۴-۱۳.
- Adegoke, T. G. (2010) Socio-cultural Factor as Determinants of Divorce Rates among Women of Reproductive Age in Ibadan Metropolis, Nigeria, *Stud Tribes Tribals*, 8 (2)107-114.
- Amato, P. R (2010) Research on Divorce: Continuing Trends and new developments, *Journal of Marriage and Family*, 72, 650-666.
- Campbell, T.L. (2013). The Effectiveness of Family Interventions for Physical Disorders. *Journal of Marital and Family*. 29 (2): 263-281.
- Conger & Elder (1900) Linking Economic hardship to material quality in stability. *Journal of marriage and the family*: 464. Gertina van Schalkwyk (2005). Women's Reconstruction of Self "Explorations of Post- Divorce" ANZJFT Volume 26 Number 2. Pp. 90-9.
- Ghayyur, Taha (2010) *Marriage: Conflict, Divorce in the Muslim Community: survey analysis*. Copyright 2010 sound vision foundation.
- Janmardy. M (2011) Study of divorce in Iran provinces from 1977 to 1998: Emphasis on the role of Iran-Iraq war. *International Journal of Sociology and Anthropology*. 2011; 3 (4): 132-8.
- Kavas, serap (2010) "POST- DIVORCE EXPERIENCE OF HIGHHLY EDUCATED AND PROFESSIONAL WOMEN" in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in the department of sociology, July 2010.
- Molina, o (2000) "African amrican womens uniqe divorce experiences" *Journal of divorce & remarriage*. Vol 32.
- Root Causes of Divorce Lie in Poor Communication, Survey Finds (2010). *According a new survey commissioned by the UAE marriage Fund*.